

## Structural analysis of ten letters of Emad Faqih Kermani according to the structure of "Ra"

Forozandeh Edalate kashi<sup>1</sup>, Mahbube Mubasheri<sup>2</sup>

1. PhD student of Al Zahra University, [edalat.2014@gmail.com](mailto:edalat.2014@gmail.com)

2. Associate professor and faculty member of Al-Zahra University, [mubasheri@alzahra.ac.ir](mailto:mubasheri@alzahra.ac.ir)

### Abstract

Ten letters are a literary genre in which the beloved and the beloved discuss their favorite topics in ten letters. The format of this type of literature is Masnavi. It begins in the fifth century with lyrical literature and the subject of love and culminates in the eighth century in mystical literature. The Ten Letters of Emad Faqih Kermani, the mystic poet of the eighth century, is a collection of poetic letters, written in different forms. Letters that he wrote on different days for the people or sultans of the time and the lovers of time and at the end of his life he provided them in a collection and chose the title "Ten Letters" for it. This research aims to provide a descriptive-analytical method first about Emad Faqih Kermani and the ten letters and then to answer the question that the structure of "Ra" in the ten letters of Emad Faqih Kermani with what meanings and how many to Has it been employed? And considering this frequency, what is the structural style of Emad's ten letters? In the end, it is concluded that: out of 657 bits in ten letters, 45 bits have a "ra" structure. 12 cases are used as "objective signs", 23 cases mean "for", 9 cases mean "extra fraction" and 1 case means "to". 6.85%, a very small amount, the structure "ra" in ten letters, shows that in the eighth century the use of this structure was low. this is one of the stylistic features of Emad Faqih Kermani's ten letters.

**Keywords:** lyrical literature, mystical literature, Emad Faqih Kermani, ten letters, "ra" structure.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۸

## تحلیل ساختاری ده نامه عماد فقیه کرمانی با توجه به سازه "را"

فروزنده عدالت کاشی؛<sup>۱</sup> محبوبه مباشری<sup>۲</sup>

### چکیده:

ده نامه نویسی گونه‌ای ادبی است که در آن محب و محبوب طی ده نامه در مورد موضوعات مورد علاقه خود گفت‌وگو می‌کنند. قالب این نوع ادبی، مثنوی است. شروع آن از قرن پنجم با ادبیات غنایی و موضوع عاشقانه و اوج آن در قرن هشتم در ادبیات عرفانی است. ده نامه عماد فقیه کرمانی، شاعر عارف قرن هشتم، مجموعه‌ای از نامه‌های منظوم است، که در بحرهای مختلف سروده است. نامه‌هایی، که در ایام مختلف برای افراد، سلاطین عصر و احبای زمان سروده و در پایان عمر آنها را در مجموعه‌ای فراهم آورده و عنوان "ده نامه" را برای آن برگزیده است. این پژوهش بر آن است تا به روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای ابتدا در مورد ده نامه ها نویسی مختصری بیاورد، و به این سؤال پاسخ بدهد که، سازه "را" در ده نامه عماد فقیه کرمانی به چه معانی و با چه بسامدی به کار گرفته است؟ و با توجه به این بسامد، سبک ساختاری ده نامه عماد چگونه است؟ نتیجه این پژوهش آن است که: از مجموع ۶۵۷ بیت در ده نامه ۴۵ بیت دارای سازه "را" است. که ۱۲ مورد به عنوان "نشانه مفعولی"، ۲۳ مورد به معنی "برای" و ۹ مورد به معنی "کسره اضافی" و ۱ مورد به معنی "به" بکار گرفته شده است. ۶/۸۵ درصد، میزان بسیار اندک سازه "را" در ده نامه، بیانگر این موضوع است که در قرن هشتم استعمال این سازه کم بوده است. این یکی از ویژگیهای سبکی ده نامه عماد فقیه کرمانی است.

**واژگان کلیدی:** ادب غنایی، ادب عرفانی، عماد فقیه کرمانی، ده نامه، سازه "را".

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه الزهراء Email: edalat.2014@gmail.com

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء Email: mobasheri@alzahra.ac.ir

## ۱. مقدمه

ده نامه نویسی گونه‌ای ادبی است که زیر مجموعه ادب غنایی قرار می‌گیرد که حاوی ده نامه، به ترتیب یکی در میان از زبان عاشق و معشوق به همدیگر بوده که قالب آن مثنوی است و شاعران لابلای آن غزل هم می‌آوردند. ادبیات غنایی «غنا» در لغت به معنای آواز خوش، سرود و نغمه است و در اصطلاح به نثر یا شعری گفته می‌شود که بیان‌گر عواطف و احساسات شخصی شاعر یا نویسنده شده است. آرایش ده نامه‌ها معمولاً یکجور است پنج نامه از طرف عاشق و پنج نامه از طرف معشوق که در لابلای آنها غزلی نیز یافت می‌شده است. هر یک از نامه‌ها با مقدمات و مؤخراتی همراه است. نامه بر دست یکی از عناصر طبیعت مانند باد و آفتاب یا مصنوعات بشری همچون آئینه و شانه فرستاده می‌شود. قرن پنج آغاز ده نامه نویسی و قرن هشتم زمان اوج این گونه ادبی است. این منظومه آرایش خاص خود را دارا می‌باشند. ده نامه عماد فقیه کرمانی شاعر عارف قرن هشتم هجری، در نوع ادب عرفانی است. مجموعه‌ای است از نامه‌های منظومی که در بحرهای مختلف سروده و آنها نامه‌هایی است که در ایام مختلف برای افراد و یا سلاطین عصر و احباب زمان به نظم آورده است و مقدمه‌ای بر آن ترتیب داده و با مدح شاه شجاع آن را مزین ساخته و آن را ده‌نامه، نامیده است. عماد فقیه کرمانی مورد توجه حافظ بوده، و در نوشتن از سعدی تقلید می‌کرده است. عماد در نوشتن نامه‌ها با حرکت از غنا به سوی عرفان و بیان مسائل عرفانی و علمی، از واژگان متعدد، با اراده کسب معانی حقیقی، مجازی و نوعاً ثانوی آن و با حمل ویژگی‌هایی نظیر درون‌گرایی، عشق‌گرایی، و اغلب برای ساخت جمله‌های مرکب نیاز پیدا می‌کرده است. و حروف در ارتباط دادن این واژگان و جملات، نقش به‌سزایی ایفا کرده است. هدف از این پژوهش شناخت بیشتر شاعر، تعمق در اثر عرفانی، کشف تازه‌ها و ابداعات شاعر و نحوه استفاده او از سازه "را" است. و همچنین شناساندن شاعر عارف، از زاویه دید متفاوت، به پژوهشگران دیگر است.

### ۱-۱. سوالات پژوهش:

این پژوهش در پی یافتن پاسخ این پرسش‌ها است:  
 - ساختار ظاهری مثنوی ده‌نامه عماد فقیه کرمانی چگونه است؟  
 - سازه "را" در ده‌نامه عماد فقیه کرمانی با چه معانی و به چه تعداد به کار گرفته شده است؟

### ۱-۲. فرضیات پژوهش:

- ده‌نامه عماد فقیه ساختاری شبیه ده‌نامه‌های ماقبل خود دارد.  
 - فرض بر این است که سازه "را" در مثنوی ده‌نامه عماد فقیه کرمانی نقش ویژه‌ای در ارتباط مفاهیم ایفاء کرده باشد.

### ۱-۳. روش پژوهش

روش این پژوهش تحلیل محتوا است. یعنی توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم به صورت نظام‌مند انجام می‌شود. در پی اقدام به شناخت مسئله، تعریف آن، تدوین و ایجاد سؤالها، گردآوری اطلاعات، تجزیه، تحلیل و نتیجه‌گیری انجام شده است. در این پژوهش از انواع کتاب‌ها و منابعی که در این مقوله وجود دارد استفاده شده است. ده‌نامه عماد فقیه کرمانی حجم نمونه پژوهش است. ابزار تحقیق، کتابخانه و نرم افزارهای الکترونیکی و فیش بوده است.

### ۲. پیشینه تحقیق

چند معنایی حروف ربط در زبان فارسی (۱۳۹۸). مسعود دهقان و زهرا پروینی راد، مجله جستارهای زبانی، مرداد و شهریور، شماره ۵۱، از ص ۱۹۱ تا ص ۲۱۲. (یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم اولیه حرف ربط در شبکه معنایی دارای سیزده معنای متمایز می‌شود.)

- نقدی بر دستور زبان فارسی، کتاب حروف اضافه و ربط (۱۳۹۵). زهره مشاوری و محمود براتی، ویژه‌نامه فرهنگستان، شماره ۱۲، از ص ۳۲۵ تا ۳۴۲.

- تحول کارکردهای حروف اضافه و ربط در شعر معاصر (۱۳۸۷). وحید مبارک و مریم رحمانی، مجله پژوهشنامه ادب حماسی، بهار و تابستان، شماره ۶، دوره ۴، از ص ۱۹۹ تا ص ۲۱۷. (بحث اصلی این مقاله مربوط به حرف اضافه و حروف ربط در زبان فارسی است. ادب فارسی همیشه حروف را در بحث دستور زبان مطرح کرده است.)

- فصل و وصل از منظر علم معانی و دستور زبان (۱۳۹۴). عباس علی وفایی و سمیه آقابابایی، مجله علوم ادبی، بهار و تابستان، شماره ۷، از ص ۷ تا ۳۸. (یافته های این پژوهش بیانگر آن است که بحث فصل و وصل، بالذات مختص دستور زبان است که در دستور زبان از آن به عنوان پیوند و وابستگی به تفصیل نام برده اند.)

- بند واسطه قیدی یا موصولی، حرف ربط مرکب یا مجموعه‌ای مرکب از گروه اسمی و حرف ربط (۱۳۷۹). پرویز البرزی ورکی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، زمستان، شماره ۲۵۶. (در این مقاله سعی شده تا از یک طرف آن دسته از بندهای وابسته قیدی که دارای عنصر ربط هستند به صورت بند وابسته موصولی تحلیل شود و از طرف دیگر هر حرف ربط مرکب به صورت مجموعه ای متشکل از گروه اسمی و حرف ربط استدلال گردد.)

- سیر تطور ده‌نامه و سی‌نامه سرایی در شعر فارسی با تکیه بر تحلیل ساختاری و محتوایی (۱۳۹۲). علی اصغر باباصفیری و بتول حیدری، مجله پژوهشنامه ادب غنایی، شماره ۲۱ دوره ۱۱. (در این مقاله به تحلیل محتوا و ساختار این گونه ادبی پرداخته شده و ۳۰ ده‌نامه و سی‌نامه به ترتیب تاریخی معرفی شده است)

- محب و محبوب، منظومه غنایی نفیس و ناشناخته (۱۳۹۱). احمدرضا یلمه، مجله پژوهشنامه ادب غنایی، بهار و تابستان، شماره ۱۸، از ص ۱۹۹ تا ۲۱۷. (در این پژوهش سعی گردید پس از تهیه فیلمی از تنها نسخه موجود و بازخوانی آن نسخه، این مجموعه نفیس که به روش دیگر ده‌نامه های ادب فارسی با دقت و ساختی گوناگون سروده شده است. مورد تحلیل قرار گرفته است.)

-تحلیل ده نامه های ادب فارسی از دیدگاه انواع ادبی (۱۳۹۰). محبوبه خراسانی و فریده داودی مقدم، مجله متن پژوهی ادبی، زمستان، شماره ۵۰، از ص ۹ تا ۳۶. (در این پژوهش، پس از حذف ۱۱ اثر که منسوب به ده نامه‌اند، ۱۲ اثر باقی می ماند که از این تعداد ۷ منظومه کاملاً با معیارهای تعیین کننده ژانر ده نامه همخوان هستند و آنها را نام برده است.)

-سبک شناسی ده نامه ویس و رامین فخرالدین اسعدگرگانی (۱۳۹۰). اسماعیل تاجبخش و هیوا حسنیپور، مجله: بهارادب، پاییز، شماره ۱۳، از ص ۱۸۳ تا ۲۰۰. (حاصل این پژوهش نشان می دهد که: ده نامه ویس و رامین نیز نامه هایی است عاشقانه که ویس آن را با سوز و گداز برای رامین نوشته است و در آن نامه ها، رامین را به خود خوانده است. در این مقاله به بررسی سبک شناسی این نامه در سه سطح فکری، زبانی و ادبی پرداخته شده است.)

-ده نامه سرایی در ادبیات فارسی (۱۳۸۷). رضا فرصتی جویباری، مجله دانشنامه، بهار، شماره ۱، از ص ۱۲۳ تا ۱۳۵. (محقق در این پژوهش انواع ده نامه را دسته بندی کرده است) -استعاره مفهومی عشق در طریقت نامه عماد فقیه کرمانی (۱۴۰۰). فروزنده عدالت کاشی و محبوبه مباحثی، مجله متن پژوهی. (در این پژوهش ابتدا گزارشی از زندگی عماد، طریقت نامه و استعاره مفهومی عشق در طریقت نامه پرداخته شده است. نگاه عرفانی عماد در این پژوهش مورد توجه پژوهش پیش رو بوده است.)

بعد از جست و جوی فراوان پژوهشی با موضوع پیش رو یافت نشد.

### ۳. کلیات

#### ۳-۱. ده نامه ها

نامه نگاری در ادبیات فارسی پیشینه طولانی دارد. « برای مثال از دوران ساسانی نامه های اداری به دست آمده که قدیمی ترین نمونه های نامه نگاری است. نامه های دیوانی قرن هفتم میلادی مجموعه نامه هایی به زیتن سُغدی» (تفضلی، ۱۳۷۸: ۸۸) و همچنین «نامه های سیاسی در ادبیات پهلوی همچون نامه های انوشیروان و مکاتبات بهرام گور و بزرگان ایران نیز حائز اهمیت است. رساله ای نیز به نام آیین نامه نویسی از دوره ساسانی در دست است که هدف

آن فراهم کردن الگوهایی برای نویسندگان و دبیران بوده است.» (آسانا، ۱۳۷۱: ۱۷۲) منشآت و مکتوبات نیز نمونه هایی از اهمیت این فن است. نامه نگاری و گفت و گو با معشوق نیز در ادبیات غنایی سابقه دارد. «چنان که به عنوان سنتی ادبی در اکثر منظومه های عاشقانه مانند: ویس و رامین، سحر و جلال، فرهاد و شیرین و ... و در دیگر انواع شعر به صورت محاوره عاشقانه و پیغام های شفاهی "منوچهری" به چشم می خورد. مجموعه های مستقلی به نظم و نثر نیز به نامه هایی در ناز و نیاز عاشق و معشوق اختصاص می یافته است.» (منزوی، ۱۳۶۵: ج ۵، ۸۳) آنطور که از تاریخ ادبیات فارسی برمی آید «فخرالدین عراقی اولین ده نامه را در ادب فارسی به نام عشاق نامه، نوشت» (صفا، ۱۳۷۰: ۵۵۵) بطور کلی، ده نامه منظومه ای است در قالب مثنوی حاصل شرح دلتنگی و حالات عاشق و معشوق. «پنج نامه از سوی عاشق به معشوق و پنج نامه از معشوق در پاسخ نامه های عاشق رد و بدل می شود. هریک از نامه ها نیز با مقدمات و مؤخراتی همراه است و در متن هرنامه هم غزلی بر وزن منظومه با رعایت همان قافیه سروده شده است. نامه بر دست یکی از عناصر طبیعت مانند باد و آفتاب یا مصنوعات بشری همچون شانه و آینه فرستاده می شود. در متن نامه عاشق دلداگی خود را به معشوق شرح می دهد و معشوق نیز با سنگدلی تمام پاسخ می گوید ولی سرانجام در نتیجه پایداری عاشق و زاری های، او معشوق بر سر مهر می آید و از سخنان پایانی وی معلوم می شود که آن همه ناز برای آزمودن عاشق بوده است نه آزار وی» (محبوب، ۱۳۷۳: ۷۳) اولین کسی که در میان مثنوی، غزل گنجانده عیوقی در منظومه ورقه و گلشاه است. «ده نامه ها را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

نوع اول: ده نامه های بی نامه مانند ده نامه فخرالدین عراقی، ده نامه همام تبریزی و ده نامه شرف الدین رامی.

نوع دوم: ده نامه های دوسویه که متعارف ترین نوع ده نامه است. مانند ده نامه فخرالدین اسعد گرگانی و ده نامه عماد فقیه کرمانی.

نوع سوم: ده نامه‌های دوسویه که متعارف‌ترین نوع ده نامه است. مانند ده نامه اوحدی مراغه‌ای، ده نامه عبید زاکانی و ده نامه ابن عماد خراسانی و...» (فرصتی جویباری، ۱۳۸۷: ۱۲۳)

ده نامه نویسی، از انواع ادبی منظومه‌های غنایی است. «غنا» در لغت به معنای آواز خوش، سرود و نغمه است و در اصطلاح به نثر یا شعری گفته می‌شود که بیانگر عواطف و احساسات شخصی شاعر یا نویسنده شده‌است. یکی از زمینه‌های مهم شعر غنایی، بُعد اجتماعی آن است؛ برای مثال، مناجات سنایی، حبسیه مسعود سعد سلمان و غزل حافظ و طنز عبید زاکانی و مرثیه ملک‌الشعراء بهار، دارای پیام مهم اجتماعی هستند. در ادبیات فارسی چندین منظومه غنایی درخشان وجود دارد؛ مانند ویس و رامین، خسرو و شیرین و لیلی و مجنون. موضوع اصلی این منظومه‌های داستانی، بیان حالات و احساسات مربوط به «وصال» و «فراق» است. آن‌جا که، ادبیات عرفانی ایران نیز در حوزه ادبیات غنایی جای دارد، و شعر عرفانی شعری است که شاعران عارف برای بیان معانی عرفانی با زبان رمز و اشاره به سبک ویژه در قالب‌های شعری - بخصوص غزل - ارائه می‌کنند، و سبک عراقی در شعر فارسی که پیش از هر چیز در چهارچوب غزل به مفاهیمی مانند عشق می‌پردازد سرشار از اشارات عرفانی و سیروسلوک برای رسیدن به معشوق است. شاعران عارف از نوع ادبی نامه‌نویسی برای بیان عواطف و احساسات عاشقانه عارفانه خود بهره برده‌اند از جمله عماد فقیه کرمانی در قرن هشتم، که اوج رواج ده‌نامه نویسی است.

### ۳-۲. عماد الدین فقیه کرمانی

«شیخ الاسلام،» خواجه عمادالدین علی فقیه کرمانی، متخلص به «عماد»، و معروف به «عماد فقیه کرمانی» (زاده: ۶۹۰ه.ق.) یکی از شاعران و عارفان برجسته و معروف قرن هشتم هجری به شمار می‌آید، وی از غزلسرایان نامی ایران بود. غزل او همچون غزل خواجه به سبک عرفا و حلقه ارتباط زبان سعدی به زبان حافظ است. عمده شهرت او، به خاطر اشعار زیبا و عارفانه او است، که مضامین معنوی و اخلاقی دارند. «عماد فقیه»، در سال ۷۰۵ه.ق در حالیکه فقط ۱۵ سال سن داشت، به اتفاق برادرش، اداره امور خانقاه را برعهده گرفت. بیشتر عمر عماد فقیه



و دوران اوج شاعری او، مقارن با حکومت دو تن از حُکام نامدار سلسله آل مظفر در کرمان، یعنی: امیر مبارزالدین محمد مظفر و شاه شجاع بود. این دو پادشاه سخت به عماد فقیه ارادت می‌ورزیدند و عماد نیز به شاه شجاع محبت ویژه داشت و چونان مرشد و طرف مشورت او در مسائل مهم بود. سرانجام "عماد فقیه کرمانی" در سال ۷۷۲ یا ۷۷۳ ه.ق، و درس ۸۲ یا ۸۳ سالگی، بدرود حیات گفت. «همایون فرخ، ۱۳۴۸: مقدمه) او «شعر خود را بر همه واردان خانقاه می‌خوانده است، و استدعای اصلاح می‌کرده و از این می‌گویند که شعر وی شعر همه اهل کرمان است» (جامی، ۱۳۶۷: ۱۱۹) عماد فقیه کرمانی، چون از کودکی در خانقاه رشد کرده و با آن مانوس بوده، محور کردار و گفتار او بر خانقاه و خانقاهیان قرار دارد (طغیانی، ۱۳۸۳: ۲۷۷) او مفاهیمی مانند عشق، شراب و رند را در معنای عرفانی و بیان حقایق عارفانه به کار می‌برد. در دیوان عماد مواردی است که نشان می‌دهد گرایش‌های ملامتیه دارد. او در اشعارش به تفاوت ویژه ملامتیان و دیگر فرقه‌های صوفیه اشاره دارد. «حس جاه طلبی و خودپرستی فوق العاده او لحظه‌ای او را راحت نمی‌گذارد» (رادفر، ۱۳۷۸: ۴۲) و «جاه طلبی های عماد باعث شده بود که مقام رفیع او در زهد و ورع، اخلاق، عرفان و شعر و ادب تنزل یابد» (ناظر زاده کرمانی، ۱۳۷۴: ۶۵) اعتقاد فقیه کرمانی به پایبندی و اعتقاد شدید او به مبادی و اصول و احکام شرع بر می‌گردد. در آثارش پیدا است. «شیخ عماد بسیاری از اشعارش را به مسئله توحید و یگانگی خدا اختصاص داده و در آغاز هر یک از مثنوی های خود فصلی در این موارد دارد» (قاضی عسگر، ۱۳۸۳: ۳۲۲) ارادت خاصی به حضرت رسول و خاندان عصمت (ع) دارد. هر کدام از مثنوی‌های پنج گنج او ابتدا با ستایش خدا و بعد نعت پیامبر و اختران تابناک ولایت آغاز می‌شود. از آیات قرآن و روایات در اشعارش بهره برده است. عماد ضمن پند و اندرز اخلاقی به دیگران بر عامل بودن بر نصایح خود تکیه دارد. او در همه موارد نفس خود را مورد مخاطب قرار داده است. «موعظه‌های عماد فقیه، حکیمانه و شیواست و همه بر پختگی طبع و مناعت فکر او دلالت دارد.» (ناظر زاده کرمانی، ۱۳۷۴: ۹۴) و از طرفی «اشعار عماد سرشار از باورها و آداب صوفیانه است. اما بلاغت و وسعت شاعران طراز اول پارسی را ندارد و به پایه اشعار مولوی، سعدی و حافظ نمی‌رسد. با این حال، شعر

عماد به دلیل برخورداری از نکات عمیق دینی و اصول و مبادی تصوف، جایگاه ویژه‌ای در ادب فارسی دارد.» (مدرّسی، ۱۳۸۳: ۴۴۰) عماد مورد توجه حافظ بوده است «از دلایل توجه حافظ به شیخ عماد می‌توان شهرت فراوان عماد در هنگام حیات، وجود معانی عرفانی و صوفیانه در سراسر اشعار او، مقام علمی عماد و تصوف او را برشمرد» (طغیانی، ۱۳۸۳: ۲۲۶-۲۲۷) و «اگر چه طرز سخن خواجهی کرمانی، عماد فقیه کرمانی و کمال خجندی به شیوه حافظ شبیه است، در واقع این خواجه و عماد بوده‌اند که راه را برای ظهور حافظ و اشعار ناب او فراهم آورده‌اند.» (براون، ۱۳۵۷: ۲۸۶) صفا در مورد او می‌گوید: عماد در شعر مرتبه-ای بس بلند دارد... مسلم این است که سخن عماد استوار و منتخب و متضمن مضامین لطیف و معانی بلند است.» (صفا، ۱۳۷۱: ۹۸۸) عماد علاوه بر دیوان غزلیات، پنج مثنوی نیز سروده است، که عبارتند از: صحبت نامه، محبت نامه، صفانامه یا مونس الابرار، ده نامه: بحر هزج مسدس مقصور شامل نامه‌هایی به شاه شجاع و عده‌ای از مشایخ و احبّ است. از آخرین آثار او مقدمه منثور ده نامه است شادروان سعید نفیسی در کتاب نظم و نثر فارسی در شرح حال عماد فقیه می‌نویسد: «...خواجه عماد الدین فقیه کرمانی معروف به عماد فقیه از معاریف غزل سرایان عارف پیشه قرن هشتم بود و در کرمان می‌زیست و خانقاهی داشت و مردم زمان بوی بسیار معتقد بودند و پادشاهان آل مظفر امیر مبارزالدین محمد و شاه شجاع نسبت به وی احترام بسیار کرده‌اند. کلیات عماد فقیه شانزده هزار بیت از غزل و مثنوی است. ده نامه آخرین اثر اوست» (نفیسی، ۱۳۴۴: ۱۴۵) زیرا ده نامه مجموعه‌ای است از نامه‌های منظومی که در بحرهای مختلف سروده و ده‌نامه‌ها، نامه‌هایی است که در ایام مختلف برای افراد، سلاطین عصر و احبای زمان سروده بوده است و سپس در پایان عمر آنها را در مجموعه ای فراهم آورده و مقدمه‌ای بر آن نوشته که با ستایش شاه شجاع آن را مصدر و مزین ساخته و به آن عنوان ده نامه داده است. سه نامه آن خطاب به شاه شجاع است. جلال الدین ابوالفوارس شاه شجاع که طرفدار شعر و عرفان بوده و خواجه عماد معلم فرزندان شاه شجاع بوده است. در ده نامه به وضوح و روشنی عماد نشان داده که تا چه حد شاه شجاع او را حمایت کرده است. از آثارش بر می‌آید که مذهب او با تشیع سازگاری دارد. او هم عصر حافظ بوده و حافظ او

را در آثاری ستوده است. خواجه عماد معترف است در مکتب شیخ سعدی گام می‌زده و آثار نظامی و انوری و سعدی را الگوی کار خود ساخته بوده است. باید اذعان کرد که حلقه وصل زبان سعدی و حافظ عماد فقیه کرمانی بوده است. درگذشت این شاعر ۷۷۳ بوده است. (همایون فرخ، ۱۳۴۸: مقدمه)

### ۳-۳. ساختار ده نامه عماد فقیه کرمانی

تحمید خداوند (۲۱ بیت) (ابتدای نامه‌ها با ابیاتی در تحمید خداوند آغاز می‌شود و سپس مدح روح الامین و علت خلقت انسان)  
سبب نظم کتاب (۲۰ بیت) (علت سرودن ده نامه را ذکر می‌کند و خرد را عامل نوشتن می‌داند.)

دعای دولت پادشاه سعید (۳۰ بیت) (عماد پادشاه وقت را سلیمان، کیخسرو، بهرام و قارون دانسته و دعای خضر و نوح را برای او می‌طلبد.)

نامه اول به پادشاه سعید (۷۵ بیت) (به شاه شجاع نوشته شده و دلش را خضر و او را آب حیات نامیده است)

- نامه دوم به یکی از احبا "به شاه شجاع" (۲۲ بیت) و در ادامه غزل (۲۵ بیت)
  - نامه سوم به یکی از احبا مشتمل به دعای پادشاه (۲۵ بیت) و یک غزل (۲۳ بیت)
  - نامه چهارم دعای پادشاه مطاع شاه شجاع (۸۷ بیت)
  - نامه پنجم به سلطان مبارزالدین محمد مظفر (۵۰ بیت)
  - نامه ششم به جناب غیاث الدین محمد (۸۰ بیت)
  - نامه هفتم به جناب خواجه قوام الدین صاحب عیار (۷۲ بیت) و غزل (۳۸ بیت)
  - نامه هشتم به مولانا السعید تاج الدین اُخْتَسَان (۸۱ بیت) و غزل (۳۵ بیت)
  - نامه نهم به یکی از احبا به خوارزم (۳۵ بیت)
  - نامه دهم به یکی از احبا (۳۴ بیت)
- در مجموع ابیات ۶۵۷ بیت است.

### ۳-۴. حرف و انواع آن

«تعریف حرف: بعضی از کلمه‌ها معنی مستقلی ندارند و در سخن برای پیوند دادن کلمه‌ها یا جمله‌ها به یکدیگر یا نسبت دادن کلمه‌ای به کلمه‌ای یا جمله‌ای و یا نشان دادن نقش کلمه‌ای در جمله به کار می‌روند. این کلمه‌ها را حرف می‌گویند. انواع حرف: حرف ربط، حرف اضافه، حرف نشانه

حرف ربط: حرف ربط کلمه‌ایست که کلمه‌ها، رکن جمله و جمله‌ها را بهم‌دیگر ربط می‌دهد. مانند: پسر و دختر با هم بازی میکنند. و یا: پسر بازی می‌کند در حالیکه دختر نگاهش می‌کند.

حروف ربط به دو دسته حروف ربط همپایه و حروف ربط تبعی تقسیم می‌شوند. حرف‌های ربط ساده: حرف‌های ربط ساده از یک واژه ساخته شده‌اند و عبارتند از: اگر، اما، پس، تا، چون، چه، خواه، زیرا، که، لیکن، نه، نیز، و، ولی، هم، یا. حرف‌های ربط مرکب: مجموعه‌ای از دو یا چند کلمه که معمولاً یکی از آن‌ها حرف ربط یا حرف اضافه ساده است. همین که خورشید طلوع کرد حرکت کردیم.» (ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۵۰-۶۷)

### ۳-۵. سازه "را"

پژوهش‌های زیادی در رابطه با سازه "را" صورت گرفته است چون این سازه در زبان فارسی بسامد وقوع بالایی دارد. این سازه نقش‌های متعددی دارد. از جمله مفعولی و معرفگی. «را» به تعریف برخی از دستورنویسان زبان فارسی، یکی از حرف‌های نشانه و نشانه مفعول است، و کلمه یا گروهی که پیش از «را» می‌آید نقش مفعولی پیدا می‌کند.» (احمدی گیوی، ۱۳۸۵: ۲۶۹) فرشیدور معتقد است: «را» نوعی حرف اضافه است و اصولاً تمامی حروف، از جمله حرف اضافه و حرف ربط و حرف ندا و تفسیر، کلمات نشانه و نقش‌نما هستند، و این امر اختصاصی به حرف «را» ندارد.» (فرشیدور، ۱۳۸۲: ۴۴۸) دستورهای سنتی زبان فارسی عمدتاً از «را» به عنوان نشانه مفعول صریح معرفی‌یاد کرده‌اند. «گرنوت ویندفور، استاد زبان‌شناسی فارسی دانشگاه میشیگان، در کتاب دستور زبان فارسی خود ادعا کرده است که بعید است

بتوان تک‌واژی را در زبان فارسی یافت که به اندازه «را» مورد تتبع فنی و دقیق قرار گرفته باشد. ژیلبر لازار، زبان‌شناس و فارسی‌دان فرانسوی، نیز در مقاله‌ای با عنوان «تکواژ را و کنش نحوی آن در فارسی»، می‌نویسد هنوز هیچ قاعده‌ای پیدا نشده که مجموع کاربردهای تکواژ «را» را دربرگیرد و به تمامی آنها و نیز به مواردی که در آنها مفعول بدون «را» به کار می‌رود توجه نماید.» (دبیر مقدم، ۱۳۶۹: ۳) و در متون کلاسیک "را" به معنای "سازه" را "پژوهش - های زیادی در رابطه با سازه "را" صورت گرفته است چون این سازه در زبان فارسی بسامد وقوع بالایی دارد. این سازه نقش‌های متعددی دارد. از جمله مفعولی و معرفه‌گی و «در متون کلاسیک "را" به معنای "برای" نشانه مفعولی در جمله، جانشین کسره اضافی و در صورت همراهی با "ب برای" نشانه مفعولی در جمله، جانشین کسره اضافی و در صورت همراهی با فعل "بودن" به معنای "داشتن" به کار رفته است» (ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۲۸۵) و تحول تاریخی را از نگاه دبیر مقدم «حرف نشانه را در فارسی باستان به صورت Radi برای بیان علت و سبب به کار می‌رفته است. مثال زیر، که برداشت از سطر شش و هفت سنگ‌نبشته بیستون داریوش بزرگ است، کاربرد آن را در متون آن زبان نشان می‌دهد. در این مثال، نشانه دونقطه (: نشانه مرز واژه است: « ... avahyarādiy:vayam:Haxāmanišiyā:ahyāmahy بدین علت ما هخامنشیان خوانده می‌شویم» در فارسی میانه این حرف نشانه به صورت rād/rāy ثبت شده و کاربردهای گوناگون برای آن ذکر شده است. کریستوفر برونر در بررسی کاربرد این تک‌واژ در فارسی میانه و زبان پارسی می‌نویسد که rāy در فارسی میانه و rād در پارسی میانه به کار برده می‌شده است. برونر کاربرد این حرف نشانه با مفعول صریح را در فارسی میانه یک تحول متأخر دانسته و می‌گوید این کاربرد تنها در متون زبان پهلوی مشاهده می‌شود. در فارسی نوین کلاسیک (فارسی قدیم)، دامنه کاربرد «را» به‌عنوان نشانه مفعول صریح گسترده شد و عمده کاربرد آن را می‌توان در چهار نقش مفعولی متممی، مفعول غیر صریح، مفعول بهره‌ور، و مفعول صریح دانست.» (دبیر مقدم، ۱۳۶۹: ۳۰) و از طرفی «"را" یکی از حرف اضافه ساده است و "حرف اضافه" نقش اسم یا ضمیر یا گروه اسمی را که همراه آن آمده نشان می‌دهد و گاهی نیز نقش کلمه را نسبت به فعل نشان می‌دهد. مفعول به دو صورت در جمله ظاهر

می شود: مفعول مجرد و مفعول رایبی (ارژنگ، ۱۳۷۴: ۳۸-۶۲) و «تکواژ "را" در فارسی امروز بیشتر نشانه مفعول بی واسطه است و اغلب در جمله‌هایی به کار می‌رود که فعل گذرا یا سببی باشد. مانند: مادر، غذا را به بچه خوراند. ولی همیشه نشانه مفعولی نیست. مانند: تمام شب را خوابیدم. برخی دست‌نویسان این تکواژ را "حرف اضافه پسین" دانسته‌اند یعنی همانند حرف اضافه است اما میان حرف "را" و حرف اضافه دو تفاوت اساسی وجود دارد: همه حروف اضافی فارسی (بسیط و مرکب) پیش از گروه اسمی قرار می‌گیرند اما "را" پس از آن قرار می‌گیرد. و دومین تفاوت، حروف اضافی اغلب معنی یا معنی معین دارند اما "را" اغلب برای شناساندن "نقش" گروه اسمی بکار می‌رود. پس بهتر است "را" نشانه مفعولی شناخته شود. جایگاه تکواژ "را" در پایان یک گروه اسمی است که نقش مفعول دارد و گاهی گروه اسمی مفعول بی‌واسطه بنا بر نیاز گسترش می‌یابد. کاربردهای "را": مفعول بی‌واسطه، به معنای کسره اضافه، به معنای حروف اضافه "در، به، از"، همراهی با فعل بودن به معنای داشتن در سبک ادبی،» (حق شناس، ۱۳۸۵: ۱۵۹-۱۶۱)

### ۳-۶. تحلیل داده‌ها

#### سازه "را" در ابیات ده‌نامه

فهرست	ابیات	اضافات	ابیات
تحمید	۲۱		
سبب نظم کتاب	۲۰		
دعای دولت پادشاه سعید	۳۰		
نامه اول به پادشاه سعید	۷۵		
نامه دوم به یکی از احبا (شاه شجاع)	۲۲	غزل	۲۵
نامه سوم با یکی از احبا مشتمل بر دعای پادشاه	۲۵	غزل	۲۳
نامه چهارم دعای پادشاه مطاع شاه شجاع	۸۷		
نامه پنجم به سلطان مبارزالدین محمد مظفر	۵۰		
نامه ششم به جناب غیاث الدین محمد	۸۰		
نامه هفتم به جناب خواجه قوام الدین صاحب عیار	۷۲	غزل	۳۸

۳۵	غزل	۸۱	نامه هشتم به مولانا السعید تاج الدین اُحْتَسَان
		۳۵	نامه نهم به یکی از احبا به خوارزم
		۳۴	نامه دهم به یکی از احبا

مقدمه: در ۲۱ بیت فقط یک بیت سازه "را" یافت شد.

سخن طوطی جان را شکر آمد      سخن گوش خرد را جوهر آمد

(کرمانی، ۱۳۴۸: ۲۰۷)

را: به معنی برای، برای جان مانند شکر است.

در سبب نظم کتاب: ۲۰ بیت دو بیت سازه "را" یافت شد.

که باید زد رقم ده نامه ای را      ز نو اصلاح کردن خامه ای را

(همان، ۲۰۸)

را: نشانه مفعولی است

به هر کویی که از نو می گذشتم      بساط کهنه را در می نوشتم

(همان، ۲۰۹)

را: نشانه مفعولی

در دعای دولت پادشاه سعید: ۳۰ بیت در سه بیت سازه "را" یافت شد.

خداوند سریر و افسر جم      که عالم گشت تیغش را مسلم

(همان، ۲۰۹)

را: به معنی برای، تیغ او برای عالم مسلم گشت.

روان مملکت جان خلافت      که ملکش را نباشد بیم آفت

(همان، ۲۰۹)

را: نشانه مفعولی: کاربرد کهن دارد.

الهی تا فلک را دور باشد      ملک را پایه در هر طور باشد

(همان، ۲۱۰)

را: کسره اضافه است. برای فلک راه دور باشد. و در مصرع دوم: پایه ملک در سر طور باشد

نامه اول به پادشاه سعید: ۷۳ بیت در ۴ بیت سازه "را" یافت شد.

عود تو را غنچه کند مجمری      وز تو بود نکهت گل عنبری

(همان، ۲۱۱)

را: نشانه مفعولی

تخت تو را دیده فلک و ز نشاط      ز اطلس خورشید فکنده بساط

(همان، ۲۱۳)

را: مفعولی

جان جهانی و مرا جان ز توست      درد مرا مایه درمان ز توست

(همان، ۲۱۴)

را: برای، برای من جان از توست.

رخش تو را پایه افلاک باد      جای عدوی تو، دل خاک باد

(همان، ۲۱۴)

را: برای، رخس برای تو پایه افلاک باد

نامه دوم به یکی از احباب (به شاه شجاع): ۲۲ بیت در این ابیات یافت نشد.

در غزل: ۲۵ بیت در سه بیت سازه "را" یافت شد.

ای به ایام وصال تو مرا استظهار      دیده بخت من از دولت وصال بیدار

(همان، ۲۱۶)

را: برای، برای من

شرک را سرد شد از صرصر قهرش انفاس      ملک را گزم شد از رای چو مهرش بازار

(همان، ۲۱۷)

در شرک را: انفاس شرک: کسره اضافه      مُلک را: بازار مُلک: کسره اضافه

دیده را تا شود از سرمه فزون بینایی      باد خاک در تو سرمه چشم ابرار



(همان، ۲۱۷)

دیده را: کسره اضافه بینایی دیده بده تا از سرمه فزون شود.  
نامه سوم با یکی از احبا مشتمل به دعای پادشاه: ۲۵ بیت در یک بیت فقط سازه "را" یافت شد.

رسالتی که ز انفاس چون شمایل مشکین کند مشام جهان را پر از نسیم گلستان  
(همان، ۲۱۸)

را: نشانه مفعولی

در قسمت غزل: ۲۳ بیت در دو بیت سازه "را" یافت شد.  
ار آن سماط که از بهر کائنات کشیدست هنوز پیر فلک را دو قرص هست در انبان  
(همان، ۲۲۰)

را: به معنی برای، برای فلک دو قرص در انبان هست.

نامه چهارم: ۸۷ بیت فقط یک بیت یافت شد.

پایی نه، که راه را بشاید نزلی نه که شاید را به شاید

(همان، ۲۲۴)

را: به معنی کسره اضافه

نامه پنجم به سلطان مبارزالدین محمد مظفر: ۴۹ بیت فقط در یک بیت سازه "را" یافت شد.

تو را مد در سد از صدمت حوادث گردون بدان دلیل که نصرت رسد به نوح ز طوفان

(همان، ۲۲۷)

را: برای، برای تو رسد

نامه ششم به جناب غیاث الدین محمد: ۷۸ بیت در ۴ بیت سازه "را" یافت شد.

شربتتی ز آن قریحه صافی دردمندان عشق را کافی

(همان، ۲۲۹)

را: برای، برای دردمندان عشق کافی است.

خلعتی، ز آن تقدم مشکین  
کرده شخص ضعیف را تزئین  
(همان، ۲۳۰)

را: مفعولی

بحر را با کفش مزاجی خشک  
خون شد از رشک خاق او دلِ مشک  
(همان، ۲۳۱)

را: برای

خدمتی، در همه جهان مشهور  
روح را روح و دیدگان را نور  
(همان، ۲۳۱)

را: برای، برای روح و برای دیدگان

نامه هفتم به جناب خواجه قوام الدین صاحب عیار: ۷۰ بیت در ۵ بیت سازه "را" یافت شد.

ز مشکش نقطه ای بر ارغوان است  
گل رخسار او را این نشان است  
(همان، ۲۳۴)

را: برای

سلامی، چون نسیم صبح نوروز  
که باشد اهل دل را عشرت آموز  
(همان، ۲۳۵)

را: برای

نه پیکی می فرستی نه پیامی  
نه ما را میرسد از تو سلامی

را: برای

دیران را فتاده رعشه در دست  
نمانده هیچ کس را خامه در دست  
را: کسره اضافه

کتابت گر میسر نیست یارا  
به پیغامی گهی بنواز ما را

(همان، ۲۳۶)

را: نشانه مفعولی

غزل: ۳۸ بیت در ۷ بیت سازه "را" یافت شد.

کسی با بی دلان خواری نکرده است  
عزیزان را جگر خواری نکرده است  
را: برای

دل صاحب دلان را صید کردن  
نه داند هر که دل داری نکرده است  
را: مفعولی

چه داند سرّ سودای زلیخا  
که یوسف را خریداری نکرده است  
(همان، ۲۳۶)

را: مفعولی

یگانه صاحب صاحبقران اوست  
که چشم ملک را روشن روان است  
را: برای

مساجد را همه قالی فکندند  
منقش فرش هر سالی فکندند

را: مفعولی

چنانک از بانگ چنگ و نغمه عود  
جهان را داده یاد آهنگ داود  
را: به : داوود به جهان آهنگ یاد داده

مبادا دولت او را زوالی  
کمال جاه او را انتقالی

(همان، ۲۳۷-۲۳۸)

را: کسره اضافی  
را: برای

نامه هشتم به مولانا السعید تاج الدین اُختُسان: ۱۱۶ بیت در ۶ بیت سازه "را" یافت شد.

ز معشوق دنیا گزیده فراق  
که داده است این پیرزن را طلاق  
را: مفعولی

مرا شکر انعام او واجب است  
که اعزاز و اکرام او واجب است  
را: برای

عبودیتی، چون گلابی که یار  
ز خود رفتگان را زند بر عذار  
را: کسره اضافی

مرا دامن دولت آمد بدست  
 را: کسره اضافه  
 مرا طاق دورد دوری نماند  
 را: برای  
 فلک درد ما را دوایی دهد  
 دلی را نجات از بلایی دهد  
 (همان، ۲۴۰-۲۴۲)

را: برای  
 غزل: ۳۵ بیت در ۴ بیت سازه "را" یافت شد.  
 خوشا ساقی عیسی انفاس من  
 که مرده دلم را به می زنده کرد  
 را: مفعولی  
 مرا راه در خاطر روشنش  
 گرفته به دست وفا دامنش  
 (همان، ۲۴۳-۲۴۴)

را: کسره اضافی  
 نامه نهم به یکی از احبا به خوارزم نوشته: ۳۵ بیت که در ۲ بیت سازه "را" یافت شد.  
 مرا از لب او پیامی بیار  
 به برنامه ای با سلامی بیار  
 را: برای  
 قلم را به سوزد زبان درد من  
 گر از آتش شوق گوید سخن  
 (همان، ۲۴۶)

را: مفعولی  
 نامه دهم به یکی از احبا نوشته: ۳۴ بیت و در ۴ بیت سازه "را" یافت شد.  
 آنکه با وصل او توان دادن  
 شاهد هر دو کون را سه طلاق  
 را: مفعولی  
 خدمتی، کز می صفا دل را  
 دستگیری کند بکاس دهاق  
 را: برای

جگر زهر خورده را تریاق

خدمتی، کاز در صفا بخشد

را: برای

بندیان را به مژده اعتاق

ای صبا پیش از آن که شادی کنی

(همان، ۲۴۷-۲۴۸)

را: برای

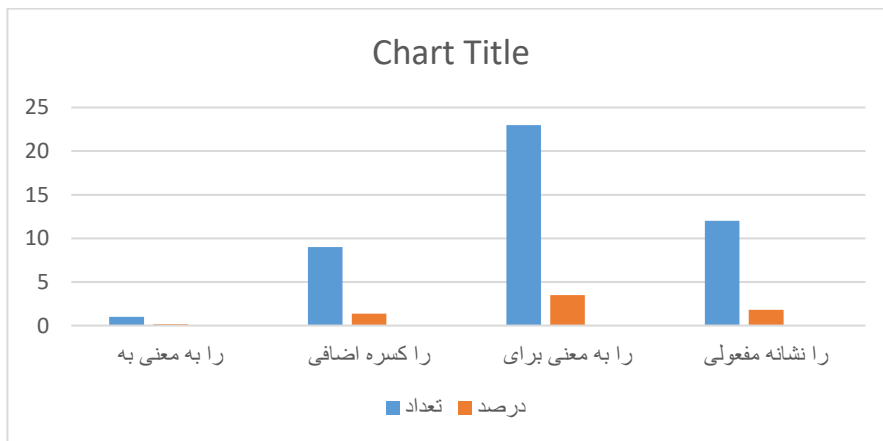
بطور کلی ساختار مثنوی "ده نامه" عماد فقیه کرمانی را با تعداد سازه "را" و معناهای

متفاوت آن را در یک نگاه می توان اینگونه رسم کرد:

کسره اضافه	معنی برای	نشانه مفعولی	ایات که دارای سازه "را"	ایات	سرفصل
	۱		۱	۲۱	مقدمه
		۱	۲	۲۰	سبب نظم کتاب
۱	۱	۱	۳	۳۰	دعا برای شاه سعید
	۲	۲	۴	۷۳	نامه اول
			یافت نشد	۲۲	نامه دوم
۲	۱		۳	۲۵	غزل
		۱	۱	۲۵	نامه سوم
	۱		۱	۲۳	غزل
۱			۱	۸۷	نامه چهارم
	۱		۱	۴۹	نامه پنجم
	۳	۱	۴	۷۸	نامه ششم
۱	۳	۱	۵	۷۰	نامه هفتم
	۲	۲	۷	۳۸	غزل

۱ و ۲					
به					
۲	۴	۱	۶	۱۱۶	نامه هشتم
	۱	۱	۲	۳۵	نامه نهم
	۳	۱	۴	۳۴	نامه دهم

معانی و کاربردهای مختلف سازه "را" در ده نامه به سه دسته تقسیم می‌شود. از مجموع ۶۵۷ بیت ده نامه ۴۵ بیت دارای سازه "را" است. که از آن میان، ۱۲ "را" نشانه مفعولی است و ۲۳ مورد به معنی "برای" و ۹ مورد به معنی "کسره اضافه" است و ۱ مورد به معنی "به" است. سازه "را" در این مثنوی نشانه و نقش نماست. و با نقشی که این حرف در اشعار بازی کرده است بیشتر در معنی مترادف "حرف اضافه برای" به کار برده شده است. در ابیاتی که عمل فعل از فاعل به کلمه یا گروه دیگری منتقل می‌شود "را" نشانه مفعولی است. این آمار نشان می‌دهد که در عماد فقیه کرمانی در قرن هشتم در مثنوی ده‌نامه خود، کمتر از سازه "را" به عنوان نشانه مفعول بهره برده است.



ساختار ده‌نامه عماد فقیه کرمانی شبیه به ده‌نامه‌های دیگری است که در این نوع ادبی وجود دارد و عماد احساسات عاشقانه و احوال مراتب عشق عرفانی و مجازی و رابطه متقابل عاشق و معشوق در گفتگویی عاشقانه عارفانه، طی تبادل ده‌نامه در قالب مثنوی و غزل سروده

است. شاعر برای انتقال عاطفه به مخاطب، با ایجاد خلاقیت و نوآوری و ایجاد سبک شخصی در راستای تقویت زبان ادبی، از سازه "را" در چند معنی بهره برده است. در این پژوهش بسامد این سازه در مثنوی ده‌نامه مورد بررسی قرار گرفت تا پژوهشگران دیگر با مقایسه این اثر با دیگر آثار به پژوهش‌های دیگر دست بزنند. سبک عراقی به لحاظ تاریخی «دوره مغولان و ایلخانان و تیموری را دربرمی‌گیرد و از قرن هفتم تا اواخر نهم دارد (شمیسا، ۱۳۹۶: ۱۸۸) این سبک با دو شاخصه مهم عرفان و غزل در ایران رواج یافت. در قرن هشتم همزمان با عماد فقیه کرمانی، خانقاه‌های متعدد ساخته شده بود و از آن جا که بعد از حمله مغولان روحیه ایرانیان شکست خورده و احتیاج به سخنان آرامبخش و توجه به امور اخروی و عدم توجه به دنیا و امور آن و اعتقاد به جبرگرایی و قضا و قدر موجب رواج عرفان شده بود که در ده‌نامه عماد آن را بخوبی می‌توان ملاحظه کرد. عمده مطالب عماد در ده‌نامه، عزت، مناعت طبع، عزلت، ستایش، فقر و بی‌نیازی، اعراض از دنیا است. عماد در نامه‌ها به بیان مطالب اخلاقی و شرعی پرداخته است. مثنوی ده‌نامه شعر شرعی است در عین مدحی. عماد به ظاهر شاهان را مدح می‌کند اما در بیان مدح، از شرع برای ارشاد آنان بهره برده است. عماد شاعری معناگر و اخلاقی است. ده‌نامه عماد در مقابل ده‌نامه‌های دیگر که مطالبشان بیشتر به فسق و فجور و مدح پرداخته‌اند، دارای موعظه و پند و اندرز و تنبیه است. یعنی ده‌نامه‌های دیگر از می و میکده و معشوق دنیوی می‌گویند عماد نگاهش به دنیای دیگر است. عماد خرد را ستایش کرده و علت فاعلی شعرش را جذبه و الهام می‌داند. هسته اصلی سبک عماد، تفکر او به وحدت وجود است. عرفان طریقتی است که در آن سیر من خلق الی الخلق است. و عشق چراغ روشن کننده راه سالک در این راه است. در ده‌نامه با توجه به اهمیت عماد فقیه کرمانی از لحاظ شخصیت، موقعیت زمانی و اجتماعی و با توجه به این نکته که مورد توجه بزرگانی چون حافظ و خواجه بوده، شناخت بیشتر وی و آثارش در جریان شناسی تصوف و عرفان با توجه به این که «راه تمجید و تکریم اثر، برجسته کردن بازی عناصر سازنده‌اش است» (تودوروف، ۱۳۹۹: ۳۲) ضرورت می‌یابد و این پژوهش مرجع مناسبی برای محققان این حوزه را فراهم کرده است.

### ۳. نتیجه

یکی از انواع ادب غنایی، ده نامه نویسی است. نامه هایی که بین عاشق و معشوق برای بیان حالات روحی در قالب مثنوی سروده شده است که در خلال آنها غزل هم می آوردند. عماد فقیه کرمانی شاعر عارف قرن هشتم این نوع ادبی را در خدمت عرفان قرار داده است. او طی ده نامه که چهار غزل در نامه های، دوم، سوم، هفتم و هشتم قرار داشت و به دوستان و مردم و پادشاه و دوستان نوشته بود، سعی در آموزش طریقت از راه حقیقت و شریعت داشت. ده نامه عماد فقیه کرمانی، مانند ده نامه های دیگر، یک طرفه بود. او پاسخی برای نامه های خویش دریافت نکرد و آن طور که از سروده ها برمی آید این نامه ها به فرستنده داده نشده است زیرا او در سال پایانی عمر نامه ها را به انضمام یک توحیدیه و سبب نظم کتاب و مدح پادشاه، به شیوه ده نامه نویسان پیش از خود، جمع آوری کرده و در قالب یک مثنوی به چهار گنج دیگر خود افزوده است. عماد فقیه کرمانی در مثنوی ده نامه، سازه "را" در ۴۵ بیت از مجموع ۶۵۷ بیت ده نامه، با هدف، ایجاد معنای ثانوی حقیقی یا مجازی، بکار گرفته است. که ۱۲ مورد نشانه مفعولی، ۲۲ مورد به معنی برای، ۹ مورد کسره اضافی و ۱ مورد به معنی به است. یعنی ۶/۸۴ درصد از ابیات او دارای سازه "را" هستند. و این درصدها نشان می دهد که در قرن هشتم استعمال سازه "را" بسیار کم بوده است. از طریق این پژوهش با محوریت استعمال سازه "را" در ده نامه های عماد فقیه کرمانی، سبک و سیاق ده نامه نویسی در قرن هشتم مشخص می شود، و با مقایسه سبک رایج این دوره و این نوع ادبی با دیگر ده نامه ها می توان سبک فردی و سبک دوره، نهایتاً سبک ده نامه نویسی را مشخص کرد. باطبع، راه برای محققان حوزه عرفان از طریق سبک شناسی گشوده است تا در مقام مقایسه با دیگر آثار درس های سودمندی بگیرند.

### منابع

۱. آسانا، جاماسب. (۱۳۷۱). *متون پهلوی*، گزارش سعید عریان، تهران: علمی.
۲. ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۸۷). *دستور تاریخی زبان فارسی*، تهران: سمت.



۳. احمدی گیوی، حسن؛ انوری، حسن. (۱۳۸۵). *دستور زبان فارسی ۲* ویرایش دوم. تهران: فاطمی.
۴. ارژنگ، غلام رضا. (۱۳۷۴). *دستور زبان فارسی*، تهران: قطره.
۵. اوحدی مراغه‌ای، رکن‌الدین. (۱۳۴۰). *دیوان اشعار اوحدی*. گردآوری و تصحیح سعید نفیسی. تهران: امیر کبیر.
۶. براون، ادوارد. (۱۳۵۷). *تاریخ ادبی ایران؛ از سعدی تا جامی*. ترجمه و حواشی علی اصغر حکمت. چاپ ۴. تهران: امیر کبیر.
۷. تبریزی، همام. (۱۳۵۱). *دیوان همام تبریزی*. به تصحیح نگارنده. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
۸. تفضلی، احمد. (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات پیش از اسلام*. تهران: سخن.
۹. تودوروف، تزوتان. (۱۳۹۹). *بوطیقای ساختارگرایی*. ترجمه محمد نبوی. تهران: کتاب دوستان.
۱۰. جامی، عبدالرحمن. (۱۳۶۷). *بهارستان*. تصحیح حاکمی. تهران: اطلاعات.
۱۱. حق شناس، علی محمد؛ سامعی، حسی؛ سمایی، سید مهدی؛ طباطبایی، علاء‌الدین. (۱۳۸۵). *دستور زبان فارسی*. تهران: سازمان پژوهش و برنامه آموزشی.
۱۲. دبیرمقدم، محمد. (۱۳۶۹). *مجله زبان‌شناسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۳. رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۷۸). *نامه عماد*. کرمان: انجمن آثار و مفاخر.
۱۴. شمیسا، سیروس. (۱۳۹۶). *سبک شناسی*. تهران: سخن.
۱۵. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۱). *تاریخ ادبیات ایران*. چاپ ۷ بخش اول. تهران: فردوس.
۱۶. طغیانی، اسحاق. (۱۳۸۳). *تاثیر عماد الدین فقیه کرمانی بر شمس الدین محمد حافظ شیرازی*. کوی سلامت.
۱۷. فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۲). *دستور مفصل امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید*. تهران: انتشارات سخن.
۱۸. فقیه کرمانی، عماد الدین. (۱۳۴۸). *دیوان عماد فقیه کرمانی*. به تصحیح رکن‌الدین همایون فرخ. تهران: کتابخانه ملی.
۱۹. قاضی عسکر، سید احمد. (۱۳۸۳). *بررسی افکار و عقاید خواجه عماد کرمانی*. کوی سلامت.

۲۰. مدرّسی، فاطمه. (۱۳۸۳). عماد فقیه پیر طریقت. به کوشش محمد رضا صوفی. کرمان: دانشگاه شهید باهنر و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۲۱. محبوب، محمد جعفر. (۱۳۷۳). ویس و رامین فخر الدین اسعد گرگانی. تهران: نشر کتابخانه ای.
۲۲. نفیسی، سعید. (۱۳۴۴). تاریخ نظم و نثر فارسی. ۲ جلد تا پایان قرن دهم. تهران: فروغی.
۲۳. ناظرزاده کرمانی، احمد. (۱۳۷۴). تحلیل دیوان و شرح حال عماد الدین کرمانی. تهران: سروش.
۲۴. فرصتی جویباری، رضا. (۱۳۸۷). ده نامه سرایی در ادبیات فارسی، مجله دانشنامه. بهار، شماره ۱، از ص ۱۲۳ تا ۱۳۵.